

عنوان: بررسی عناصر داستان در رمان زیبا صدایم کن

فرزانه سالسی

دیر راهضا

فاطمه نیک خواه نائینی ، نرگس نورس

پژوهشگران

فرهاد حسن زاده

کلید واژه

زیبا صدایم کن

عناصر داستان نویسی

بکده

فرهاد حسن زاده از نویسندگان معروف در زمینه داستان های نوجوان است. داستان زیبا صدایم کن از جمله آثار اوست که روزی اگرش یک روز زیبا با پدرش را روایت می کند. داستان ها از طریق عناصر با هم مرتبط می شوند. روایت، شخصیت، رویدادها، زمان برخی از عناصر داستان هستند. ارکان داستان با یکدیگر رابطه دارند و در تعریف هر عنصر از بقیه عناصر کمک گرفته می شود. عناصر داستان شبکه درهم تنیده ای با یکدیگر به وجود می آورند. این پژوهش با مطالعه داستان، استخراج عناصر داستان نویسی در داستان زیبا صدایم کن بر اساس منابع معتبر داستان نویسی انجام شده است. نثر ساده و روان و مکالمات و رویداد های روزمره و ساده و شرح داستان در زمان حال از ویژگی های این داستان بلند است.

مقدمه

داستان بلند زیبا صدایم کن، روایت روز پر ماجرای بین پدر و دختری است که بعد از اتفاقاتی تلخ و شیرین، دوباره برای جشن گرفتن تولد زیبا، دختر داستان ما، یک دیگر را ملاقات کردند. اخلاقیات خاص و بیماری روانی پدر زیبا در این داستان، تاثیر زیادی در روایت داستان داشت. از طرف دیگر احساسات زیبا همانند هر دختران نوجوان دیگری مدام دستخوش تغییرات بود. روابط دوست داشتنی و ساده در عین حال قابل درک این پدر و دختر، خواننده را جذبند. از این پژوهش بررسی روایت در کتاب زیبا صدایم کن است که این رمان از نظر زمان روایت، زاویه دید، رویداد بررسی و... شده است.

نتایج

روش اجرا

۱. جست و جودر پایگاه های اینترنتی
۲. ایده یابی
۳. ررسی تکراری بودن یا نبودن ایده
۴. طرح
۵. مطالعه این اثر
۶. فیش نویسی
۷. دسته بندی و بخش بندی فیش ها
۸. نگارش مقاله
۹. نتیجه گیری
۱۰. ارائه پیشنهاد
۱۱. تهیه بروشور و یاور پوینت

پژوهشگران در بررسی زمان روایت در این رمان به این نتیجه رسیدند که بخش اعظم این رمان در زمان حال روایت شده و در موارد اندکی به بیان رویداد های گذشته پرداخته شده است. راوی اکثر بخش های این کتاب زیبا است و بیشتر از زاویه دید اول شخص استفاده کرده است البته در بخش هایی از زاویه سوم شخص استفاده شده است. این کتاب به بیان یک روز از زندگی روزمره زیبا و پدرش پرداخته است. شخصیت های پویا و ایستا در این داستان دیده می شود.

بحث و نتیجه گیری

در ابتدای داستان مکالمه ابتدایی زیبا و پدرش و شروع ارتباط و گردش یک روزه ی پر ماجرای آنها شکل می گیرد. پدر زیبا از او می خواست برای روز تولدش بیرون بروند. پدرش در کافی شاپ علارغم مخالفت زیبا و خواهش هایش شروع به آهنگ خواندن می کند و زیبا احساس خجالت و شرم می کند. پدرش گاهی اوقات کنترلش را از دست میدهد و موجب آندوه زیبا می شود. اگرچه زیبا در ابتدای داستان فکر می کرد که پدرش سلامت روانی خود را بدست آورده است اما در اواسط داستان او متوجه می شود دیگران درست می گفتند که پدرش وضع روانی خوبی ندارد. و در نهایت هم شخصیت پدرش دگرگون نمی شود و همانطور که در این داستان آورده شده است او در توهماتش زندگی می کرد.

منابع

- حسن زاده، فرهاد، زیبا صدایم کن، تهران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، چاپ هفتم، ۱۳۹۷
- فرهنگ اصطلاحات ادبی، سیما داد، انتشارات مروارید، چاپ پنجم، تهران ۱۳۹۰
- عناصر داستان، جمال میرصادقی، انتشارات سخن، چاپ هشتم، تهران ۱۳۹۲

